

راهکارهایی برای تقویت امانت داری در بعد فردی و اجتماعی

حسینعلی عربی *

چکیده

راهکارهای تقویت امانت داری از بعد فردی و اجتماعی کدام است؟ در اخلاق اسلامی امانت داری به عنوان یکی از فضیلت های اخلاقی اساسی به شمار می رود که شاخص و نشانه ایمان و دین داری است و کسی که امانت دار نباشد، دین ندارد. در جوامع و شرکت ها و سازمان و بنگاه های اقتصادی جهت برقراری امنیت اجتماعی و افزایش بهره وری و کسب سود بیشتر و غلبه بر رقبا خود در میدان رقابت، سعی می شود تا امانت داری در مردم و کارکنان افزایش یابد. در این تحقیق با به کار گیری روش تحلیلی-توصیفی در کنار استفاده از روش نقلی به بررسی راهکارهایی پرداخته شده است که زمینه تقویت امانت داری را در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی فراهم می سازد. بر اساس یافته های این پژوهش، برخی از راهکارهای تقویت امانت داری عبارتند از: درونی کردن امانت داری، افزایش آگاهی افراد، تقویت فطرت مداری در انسان ها، معرفی الگوهای امین، معرفی ویژگی های جامعه آرمانی و تشویق و تقدیر از افراد امانت دار که در این نوشتار سعی می شود تا به آن ها پرداخته شود.

واژگان کلیدی: امانت داری، اخلاق، اخلاق کاربردی، اخلاق حرفه ای

طرح مسأله

در کتاب های اخلاق پس از برشمردن فضائل و رذائل اخلاقی راهکارهایی برای آراسته شدن به فضائل و دور شدن از رذائل ارائه شده است. در این پژوهش با توجه داشتن به اهمیت تمام فضائل اخلاقی از قبیل: عفت، صداقت، فتوت، گذشت و... به فضیلت امانت داری به خاطر تأکید ویژه بر آن در روایات پرداخته شده است و البته راهکارهایی که برای امانت داری ارائه می شود، عمومیت داشته و شامل تمام فضائل اخلاقی می شود. امانت داری یکی از زیرساخت های بنیادین فرهنگی جهت پیشرفت شناخته می شود و در آموزه های دینی یکی از نشانه های اصلی ایمان است که از سطح رفتار تعاملی به عنصر بنیادین در جهان بینی تعالی می یابد و خیانت ورزی باعث کفر و نفاق می گردد، چنانکه در قرآن آمده است:

مومنان کسانی هستند که امانت دارند و به پیمانشان وفادارند. (مؤمنون: ۷)^۱

و در روایتی از امام صادق (ع) آمده است:

فریب نماز و روزه افراد را نخورید؛ زیرا ممکن است به آن عادت کرده باشند و ترک آن باعث اضطراب و وحشتشان گردد؛ بلکه آن‌ها را به وسیله راستگویی و امانت داری امتحان کنید (الکافی، ۱۳۹۲ هـ.ق، ج ۲، ص ۲۷)^۲.

و در روایت بسیار قابل تأملی می فرمایند:

فریفته رکوع و سجود طولانی افراد نشوید؛ زیرا ممکن است به آن عادت کرده باشد و ترک آن باعث اضطراب و نگرانی اش گردد، بلکه به راستگویی و امانت داری اش توجه کنید (همان، ج ۲، ص ۱۰)^۳.

امانت داری به عنوان یک فضیلت اخلاقی جهان شمول از زیر ساخت های مهم فرهنگی جهت ارتقاء و پیشرفت و عدالت می باشد. در کنار امانت دار بودن افراد،

۱. وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

۲. عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ لَا تَغْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ.

۳. عَنْ أَبِي طَالِبٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَسُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اخْتَدَاهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَأَدَاءِ أَمَانَتِهِ.

سازمان ها و شرکت ها نیز باید امانت دار باشند و الا چگونه ممکن است سیستم یک بیمارستان یا دانشگاه خیانت کار باشد، اما از پرستاران و دانشجویان بخواهیم امانت دار باشند؟!

امروزه امانت داری نقش راهبردی در سازمان ها و بنگاه‌ها دارد و متخصصان مدیریت استراتژیک، امانت داری شایسته در سازمان را از پیش شرط‌های مدیریت استراتژیک خوب دانسته‌اند. (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷). . از آن جا که واژه های اخلاق، اخلاق کاربردی، اخلاق حرفه ای در مجلات مربوطه^۱ از جهت لغوی و اصطلاحی تعریف شده، جهت اختصار از تعریف آن ها خودداری شده و پس از طرح مسأله برخی از راهکارهای تقویت امانت داری از بعد فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

الف) بعد فردی

جامعه از افراد تشکیل شده است و هر اقدامی برای اصلاح جامعه از مسیر اصلاح افراد می گذرد، بنابراین افراد به منزله سلول های تشکیل دهنده پیکره اجتماع هستند و اصلاح فرد در نهایت به اصلاح جامعه می انجامد. تقویت فضایل اخلاقی در افراد روش های گوناگونی می طلبد و در این زمینه کتاب های متعددی تدوین شده است. برای تقویت امانت داری که یکی از مهم ترین فضائل اخلاقی است، می توان اقدامات ذیل را انجام داد:

۱. درونی کردن امانت داری

با درونی شدن ارزش های اخلاقی در افراد، شرایطی فراهم می شود که افراد نیازی به دروغ گویی، شایعه سازی و تبهکاری ندارند و به صورت خودجوش، بر گرایش های فطری چون فضیلت جویی، حقیقت خواهی، کمال طلبی و امانت داری تأکید خواهند نمود. در شرایط گوناگون عادی و حتی بحرانی رنگ عوض نمی کنند و برای نیل به اغراض شخصی خویش، به ردائیل اخلاقی و خیانت توسل نمی جویند. در اندیشه دینی و در روایات از این حالت، به عنوان برخورداری از واعظ درونی

۱. برای نمونه می توان به رساله دکتری نگارنده با عنوان: «چالش های فردی و اجتماعی امانت داری در اخلاق اسلامی با رویکرد اخلاق کاربردی» و مجله های «پژوهش نامه اخلاق» و «معرفت اخلاقی» مراجعه کرد.

یاد شده است که بدون آن، پیمودن راه تکامل اخلاقی مشکل خواهد بود. با درونی شدن امانت داری فرد در هر موقعیتی که باشد در راستای تقرب به درگاه ربوبی امانت داری را رعایت خواهد کرد. امام سجاد(ع) می‌فرمایند: «ای فرزند آدم، تو همواره در مسیر خیر و خوبی قرار داری، تا زمانی که واعظی از درون داشته باشی و مادام که حسابرسی خویشتن از کارهای اصلی تو باشد. (مجلسی، ج ۷۵، ص ۱۳۷) امام علی(ع) نیز می‌فرمایند: «آگاه باشید آن کس که به خویش کمک نکند تا واعظ و مانعی از درون جاننش برای او فراهم گردد، موعظه و اندرز دیگران در او اثر نخواهد داشت.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۹). درونی شدن امانت داری باعث می‌شود که اشخاص در هر موقعیتی در قبال خدا و خلائق و خلقت امانت دار باشند و از خیانت پرهیز نمایند.

۲. فطرت مداری

در اندیشه دینی، برخی ارزش‌ها و فضائل اخلاقی ریشه در فطرت پاک انسانی دارد که از آغاز تولد با او همراه و همزاد است. حضور فطری این ارزش‌ها، در قرآن کریم این گونه مطرح شده است: «فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوِيهَا؛ آنگاه خداوند به نفس انسان، فجور و تقوای آن را الهام کرد» (شمس: ۸). امام صادق(ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «خداوند با فیض الهام خود، نیک و بدها را بر بشر آشکار فرموده است.» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۹۶) و یا می‌فرماید: «خود طیب خود می‌باشی و درد و درمان برای تو تبیین شده است، بنگر که چگونه برای خود گام برمی‌داری.» (همان، ج ۷۵، ص ۲۸۳)

«فطری بودن» ارزش‌ها و فضائل اخلاقی از قبیل امانت داری در اندیشه دینی، در ادبیات روان‌شناسان «وجدان اخلاقی» نام دارد. ژان ژاک روسو می‌گوید: «به تمام ملل دنیا نظر بیندازید، تمام تاریخ‌ها را ورق بزنید، در بین تمام این کیش‌های عجیب و غریب و ظالمانه، در بین تمام این عادات و رسوم بی‌نهایت متنوع، همه جا همان اصول عدالت و درستی، همان قوانین اخلاقی، همان مفاهیم نیکی و بدی را خواهید یافت. بنابراین، در اعماق همه روح‌ها یک اصل فطری عدالت و تقوا یافت می‌شود که ما علی‌رغم قوانین و عادات، اعمال خود و دیگران را از روی آن قضاوت می‌نماییم و خوب و بد آن را معلوم می‌کنیم. این همان است که من وجدان می‌نامم.» (ژان ژاک روسو، امیل، یا، آموزش و پرورش، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، ص ۲۰۴)

از همین روست که پیامبر گرامی اسلام (ص) مأموریت آسمانی خود را تتمیم و تثبیت ارزش‌های اخلاقی و نه آموزش، انتقال، القاء و ایجاد آنها برشمرده، می‌فرماید: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ به پیامبری برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را تتمیم کنم.» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۰، ص ۳۷۲) معنای «تتمیم» این است که مکارم اخلاق قبلاً وجود داشته و هدف از بعثت، تکمیل آنها بوده است. امام علی (ع) نیز هدف از بعثت انبیا را چنین بیان می‌کند: «لِيُثْبِتُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ پیامبران آمدند تا گنجینه‌های خرد را در ایشان شکوفا سازند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱) بر همین اساس، به منظور درونی کردن ارزش‌ها و فضائل اخلاقی و به ویژه امانت داری، باید شرایط رشد و شکوفایی قابلیت فطری را برای متری فراهم کرد. باید در انتقال مفاهیم، فضائل و ارزش‌های اخلاقی، اقدام به بیدارکردن کردن فطرت خفته افراد جامعه اقدام نمود. به گونه‌ای که خود مردم واقعیت را شناخته، پایبندی عملی خود را بدان نشان دهد. یکی از شاخص‌های نظام تعلیم و تربیت نبوی «فطرت‌مداری» است. فطرت‌مداری یعنی اهمیت توجه به داشته‌ها و محتویاتی که در فطرت انسان است. بسیاری از مربیان بر این باورند که فرایند تربیت عبارت است از: فراهم‌سازی زمینه‌های اجتماعی‌سازی یا جامعه‌پذیری فراگیران. یعنی در فرایند تربیت باید به فرد کمک کرد تا ارزش‌ها، هنجارها و باید و نبایدهایی را که در جامعه عرضه شده و توسط افراد، به عنوان هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده است، بپذیرد و به آنها ملتزم شود.

در منطق قرآن کریم، اصل فطرت‌مداری به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی انسان‌شناختی است. تربیت نبوی از نوع جامعه‌پذیری یا اجتماع‌پذیری یا اجتماعی‌سازی صرف نیست، بلکه فرایند شکوفاسازی یا هموارسازی بستر شکوفایی داشته‌های فطری است. قرآن می‌فرماید: «فَطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰)، این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر پایه آن آفریده است. الهی بودن فطرت، حاکی از این است که پیش از هر نوع آموزش و تربیتی، نوعی شناخت، کشش و گرایش به سمت دین، خداوند و توحید در نهاد آدمیان وجود دارد که می‌تواند پرورش یابد و شکوفا شود. روایت نبوی می‌فرماید: «کل مولود یولد علی الفطره؛ هر نوزادی با فطرت یا بر فطرتی الهی زاده می‌شود.» (مجلسی، ج ۳، ص ۲۸۱) امام باقر (ع) در توصیف این فطرت الهی فرمود: «الْمَعْرِفَةُ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَالِقُهُ»، شناخت فطری انسان‌ها به اینکه خداوند

آفریننده آنان است. (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۸۱) امام صادق \square در پاسخ به پرسش زراره، یکی از یاران نزدیک خود، از مفاد آیه ۳۰ سوره روم فرمود: «فطهرم جمیعا علی التوحید» خداوند متعال، همه انسان‌ها را بر فطرت توحید و وحدانیت گرایي سرشت. بنابراین، یکی از بهترین شیوه‌های نهادینه سازی، ارزش‌ها و اخلاق در رسانه، شیوه بیدار کردن فطرت خفته انسان‌ها، و ساختن برنامه‌هایی در جهت بیدارسازی فطرت پاک انسان‌ها و تاکید بر فطرت مداری است.

۳. بیدارسازی

نخستین گامی که پیامبران در درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و قرآنی برای مخاطبان خود برمی‌دارند، بیدارسازی و متوجه کردن مردم به آیات الهی است. در انسان‌شناسی اسلامی، کلیت آفرینش انسان و ابعاد وجودی او، اعم از بعد روانی یا جنبه‌های فیزیولوژیک، مظهر، تجلی و جلوه‌ای از حکمت و قدرت ذات باری جل و علا است. مخاطبان پیامبران، کسانی هستند که پیش از اینکه مخاطب مربیان و آموزشگران الهی شوند و به موهبت تربیت نبوی دست یابند، یک نوع گم‌شدگی و سردرگمی داشته‌اند. سردرگمی در یافتن راه زندگی و رشدیابی، یعنی سردرگمی در مسیر زندگی و از یاد بردن توانش‌ها و قابلیت‌ها. پیامبران در مرحله تلاوت آیات، مخاطبان خود را متوجه محتوا و قابلیت‌های فطرت خود می‌کنند. پس نخستین کار پیامبران در درونی‌سازی ارزش‌ها اخلاقی و دینی، تلاوت آیات خداوند است: «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ»؛ یعنی جهت‌دهی و هدایت انسان‌ها به مسیر خداوند است. چیزی که انسان‌ها را در حالت گم‌شدگی متوجه خداوند می‌سازد. پس، گام نخست در درونی‌سازی ارزش‌ها از منظر اسلام، بیدارسازی و جهت‌دهی مردم به سمت خداوند است. (همان، ص ۲۳)

۴. پیراسته سازی و آراسته سازی

گام مهم دیگر در اخلاق اسلامی، تزکیه و پیراستن از رذائل اخلاقی است. پس از اینکه انسان از میان دو نظام ارزشی، رذائل و نیایدها را از خود پیراست، و مسیر درست را گزینش کرد، در مسیر رشد و تزکیه پیش می‌رود. ولی این رشدیابی یا پیراستگی هنگامی است که وی، تعارض درونی خود را به نفع ارزش‌های الهی و اخلاقی حل

کرده باشد. پس تزکیه و پیراسته‌سازی، پیامد طبیعی گزینش صحیح در تعارض درونی و عبور موفقیت آمیز از سنگلاخ نبرد گرایش‌ها است؛ زیرا مرحله تزکیه و پاکیزه‌سازی عبارت است از: تثبیت و استقرار شخصیت انسان در جهت فضائل و ارزش‌های مثبت. همچنان که قرآن می‌فرماید: «واتل علیهم نبأ الذی آتیناهُ آیاتنا فانسلخ منها»، و بر آنان بخوان سرگذشت کسی را که آیات خود را به او دادیم، اما او سرانجام خود را از آنها تهی کرد (اعراف، ۱۷۵).

بنابراین، باید زمینه را برای ترویج و پذیرش فضائل اخلاقی و آموزه‌های دینی فراهم ساخت که اشخاص، پس از پیراستن از رذائل، به مرحله آراستن فضائل نائل آیند؛ مسیر و راه را به روشنی تشخیص داده، راه پذیرش امانت داری را در پیش گیرند.

۵. تقویت عزت و کرامت نفس

یکی از راه‌های تقویت امانت داری، تاکید بر عزت نفس و کرامت انسانی است. «در اخلاق اسلامی، محور کرامت و عزت نفس است.» (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷) در همین زمینه امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ؛ کسی که از کرامت نفس بهره مند است، گرفتار شهوت‌ها نمی‌شود.» (نهج البلاغه، قصار ۴۴۱)

بنابراین، اصل صیانت نفس و حفظ شخصیت آدمی در اخلاق، امری ذاتی و فطری است که انسان با آن زندگی می‌کند. اگر به این اصل خدشه وارد شود، باید منتظر ناهنجاری‌های رفتاری بود.

ب) بعد اجتماعی

افراد متأثر از جمع هستند و نمی‌توان بدون اصلاح جامعه، به اصلاح فردی اکتفا کرد. چگونه می‌توان یک پرستار را در بیمارستان به نظافت و رعایت بهداشت توصیه کرد، در حالی که فضا و وسائل و تجهیزات بیمارستان کثیف هستند؟ و یا چگونه می‌توان کارمند بانک را به پاکدستی توصیه کرد، در حالی که جو حاکم بر بانک مبتنی بر اختلاس و رشوه و خیانت است؟ پس از بیان برخی از راه‌های تقویت امانت داری در بعد فردی، به بیان راهکارهای تقویت امانت داری از بعد اجتماعی می‌پردازیم:

۱. الگوسازی

از جمله روش‌های مؤثر در تربیت اجتماعی انسان، روش الگویی است. روش الگویی از این جهت اهمیت دارد که موانع بزرگ را از فرا روی انسان برمی‌دارد؛ زیرا در این صورت انسان می‌فهمد وصول به هدف، همچنان که برای افراد مورد قبول او هموار شده، برای او نیز ممکن خواهد بود و او از تردید و سرگردانی نجات می‌یابد. روش الگویی از این جهت اهمیت دارد که یکی از ویژگی‌های انسان، کمال‌خواهی است. هر انسانی ذاتاً در جست‌وجوی برترین‌هاست. از این رو، انسان برای نیل کمال هرچیزی، از جمله کمال خویش، همیشه به دنبال تعلیم و تربیت و فراگیری علم و دانش و کسب مهارت‌های فنی و عملی است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ۶۶-۴۸) تا خویشتن را از احساس نقص و نیاز، که همواره توجه آدمی را به خود جلب می‌کند، برهاند. این میل فطری، که در سراسر وجود انسان سایه افکنده است، به طور طبیعی وی را به الگوگیری فرامی‌خواند. یکی از بهترین روش‌های یادگیری و تعلیم و تربیت، روش الگویی است. این شیوه در زندگی انسان از اوان کودکی شروع شده و تا پایان عمر ادامه دارد. رفتار تقلیدگونه کودک نمونه بسیار روشنی از این ویژگی روانی بشر است. (عباسی مقدم، ۱۳۸۵، ص ۲۳)

آنچه در این زمینه مهم است، انتخاب آگاهانه و عالمانه الگوها است. انسان باید با شناخت و آگاهی کامل، الگویی را در زندگی برگزیند که تأسی به آن الگو، موجب کمال واقعی و مایه عزت و سربلندی او در دنیا و آخرت گردد. چنین الگوی جامع و ایده‌آل را خدای متعال در قرآن به عنوان «اسوه حسنه» یاد کرده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ رسول خدا برای شما اسوه نیکویی است» (احزاب، ۳).

پس از رسول خدا (ص)، اهل بیت (ع) آن حضرت، کامل‌ترین الگوی‌های نجات‌بخش برای جامعه بشری هستند و اقتدای به آن بزرگواران همانند تأسی به شخص رسول الله (ص) هدایت‌کننده و سعادت‌آفرین است.

امام علی (ع)، سیره نبوی را کلیدی‌ترین الگوی جهت‌دهنده دانسته و راهیابی خود به مکارم اخلاق را رهین همراهی و همگرایی با پیامبر (ص) قلمداد نموده، می‌فرماید: «من همواره با پیامبر بودم بسان فرزندی که همیشه با مادر است. هر روز نشان

تازه‌ای از اخلاق نیکو برایم آشکار می‌فرمودند و به من فرمان می‌دادند که به ایشان اقتدا نمایم.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴)

امام علی (ع) پس از برجسته‌سازی نقش الگویی پیامبر (ص)، بر نقش الگویی زندگی و سیره اهل بیت (ع) تأکید می‌ورزد. آنجا که می‌فرماید: «ای مردم، به اهل بیت پیامبران بنگرید. از آن سو که آنان گام برمی‌دارند بروید، پای در جای پای آنان بگذارید که هرگز آنان شما را از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت نمی‌کشانند. اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام کردند، همراه ایشان قیام کنید. از آنان پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می‌گردید.» (همان، خطبه ۹۶)

امام علی (ع) در نهج البلاغه بر این روش تأکید بسیار دارند: «برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر (ص) را الگوی خود قرار دهی ... پس به پیامبر (ص) پاکیزه و پاکت اقتدا کن که راه و رسم زندگی او الگویی است برای الگو طلبان.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، ش ۱۴ و ۲۳) امام (ع) تربیت و تأدیب با عمل را بر تربیت زبانی مقدم می‌دارند. این همان استفاده از روش الگویی است: «آن که خود را پیشوای مردم سازد... پیش از آن که به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰)

پس از حضرات معصومان (ع)، نقش الگویی عالمان دینی، رهیافتگان، والدین، مربیان و معلمان نیز بسیار مهم و درخور توجه است.

بر همین اساس، امام صادق (ع) می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِلْسَانِكُمْ؛ به وسیله عمل خود، راهنما و راهبر مردم به سوی فضیلت‌ها شوید و تنها دعوتگر زبانی نباشید.» (قمی، شیخ عباس، ج ۲، ص ۲۷۸) و امام صادق (ع) می‌فرمایند: «هرگاه شخص عالم به مقتضای علم خویش عمل نکند، اثر موعظه‌اش همچون آب باران بر روی سنگ صاف از قلب‌های مردم محو خواهد شد.» (کلینی، ج ۱، ص ۴۴)

آموزه‌های اسلام به شدت، الگوپذیری از بیگانگان را مورد سرزنش قرار داده است. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «کسی که در لباس، پوشاک و شکل ظاهر از دشمنان اسلام تقلید کند، مانند آنان، دشمن خدا خواهد بود.» (شیخ طوسی، ج ۶، ص ۱۷۲)

رهبران مذهبی و بزرگان دین همواره در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تا با پیروی از پیشوایان معصوم (ع)، ساده‌زیست بوده و با انتخاب شیوه صحیح و منطقی در زندگی، برای جامعه اسلامی و مردم مسلمان الگو باشند. در اینجا مناسب است به یک سند تاریخی استناد شود که در آن عده‌ای از علمای برجسته، با صلابت و قاطعیت، تصمیمات مهمی را برای الگوی مصرف جامعه اتخاذ کرده و به عموم مردم اعلام نمودند. متن سند یاد شده از این قرار است:

بعد از تسبیح و تحمید؛ این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن‌الملک متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که مهما امکن بعد ذلک تخلف ننمائیم، فعلاً پنج فقره است:

اولاً: قبالات و احکام شرعی، از شنبه (۱۴) به بعد باید روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود، اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر ننموده و اعتراف نمی‌نویسیم. قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد امضاء نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم ماها با این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر ایرانی باشد متعهد شده‌ایم بر آن میت، ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلوة بر آن میت بخواهند، ماها را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قراردادیم مهما امکن هرچه بدلی آن در ایران یافت می‌شود، لباس خودمان را از آن منسوج نمائیم و منسوج غیر ایرانی را نپوشیم. و احتیاط نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباسهای غیر ایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم حتی المقدور بعد از این تاریخ، ملبوس خود را از نسج ایرانی بنمائیم، تابعین ماها نیز کذلک. و متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد، آنچه از سابق پوشیده داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

رابعاً: میهمانی‌ها بعد ذلک، و لو اعیانی باشد، چه عامه چه خاصه، باید مختصر باشد؛ یک پلو و یک چلو و یک خورش و یک افشیره، اگر زائد بر این کسی تکلف دهد ما را به محضر خود وعده نگیرد، خودمان نیز به همین روش میهمانی

می‌نمائیم، هرچه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامساً: وافوری و اهل وافور را احترام نمی‌کنیم، و به منزل او نمی‌رویم، زیرا که آیات باهره: «ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين - و لاتسرفوا ان الله لا يحب المسرفين - و لاتلقوا بايديكم الى التهلكة» و حدیث: «لا ضرر و لا ضرار»، ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مُسری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده، بعد از این هرکه را فهمیدیم وافوری است، به نظر توهین و خفت می‌نگریم. صورت دستخط و امضای آقایان کرام و علماء فخام کثرالله امثالهم: ۱- ثقة الاسلام آقای حاجی آقا نورالله، ۲- حسین بن جعفر الفشارکی، ۳- حجت الاسلام آقا نجفی، ۴. شیخ مرتضی اژه، ۵. آقا میرزا محمد تقی مدرس، ۶. حاجی سید محمد باقر بروجردی، ۷. آقا میرزا علی محمد، ۸. حاجی میرزا محمد مهدی جویباره، ۹. سید ابوالقاسم دهکردی، ۱۰. حاجی سید ابوالقاسم زنجانی، ۱۱. آقا محمد جواد قزوینی، ۱۲. سیدمحمدرضا شهیر به آقا میرزای مسجد شاهی، ۱۳. حاجی آقا حسن بیدآبادی. (نجفی، ۱۳۷۱، ص ۸۵ - ۸۴)

این قرارداد در تاریخ ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۴، یعنی ۱۰۹ سال پیش توسط سیزده تن از علمای اصفهان به امضا رسید که اساس آن را مبارزه با سلطه بیگانه و حمایت از تولید ملی و رعایت امانت داری تشکیل می‌دهد. این پیمان، بیانگر عنایت، دقت و حساسیت علما در زمان‌های مختلف به مسائل اساسی جامعه اسلامی می‌باشد.

۲. اعطای بینش و افزایش آگاهی مردم

در منابع دینی، بویژه قرآن کریم، بر آگاهی، و دادن بینش درست به انسان‌ها تأکید شده است. دعوت قرآن کریم به مشاهده پدیده‌ها، تفکر در آیات آفاقی و انفسی و مطالعه احوال گذشتگان، که موجب افزایش علم و دانش است، در واقع، زمینه‌ساز تقویت ایمان افراد است. این خود دلیل روشنی بر ارتباط ایمان با علم و آگاهی است. قرآن می‌فرماید: «آنان که در علم ریشه‌دار و راسخند، به همه آیات ایمان می‌آورند» (آل عمران، ۷). بی تردید افزایش آگاهی و بینش، در ایجاد انگیزه در رفتار فرد مؤثر است. قرآن کریم می‌فرماید: «از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می‌ترسند» (فاطر، ۲۸). ترس

و خشیت یکی از مایه‌های اصلی انگیزه‌های دینی و اخلاقی است: «آن کس که ترسد، به زودی عبرت گیرد» (اعلی، ۱۰). بنابراین، علم و آگاهی در ایجاد انگیزه نقش برجسته دارد.

بی‌تردید گرایش‌های انسان، مستلزم نوعی آگاهی و شعورند و آگاهی یکی از زمینه‌های نیرومند گرایش است. هر قدر آگاهی انسان نسبت به متعلق گرایش دقیق‌تر و جامع‌تر شود، زمینه تقویت گرایش در جهت مثبت و یا منفی آن، در مسیر کمال و سعادت انسان، بیشتر خواهد بود. در صورتی آثار بینش‌ها در عمل و رفتار انسان بروز و ظهور می‌کند که ایمان، تعهد و التزام عملی به نتایج این بینش‌ها برای فرد حاصل شود. برای مثال، فردی که از پیامد خیانت نسبت به همسر و یا فرزند خویش نیک آگاه است، هرگز به راحتی امانت داری را ترک نخواهد کرد.

از آنجایی که آگاهی، دانش، معرفت و بینش، حجاب از چهره حقیقت برمی‌دارد و حقیقت، ذاتاً زیبا و مطلوب آدمی است، در نتیجه، عواطف و گرایش‌های انسان را به سوی خود جلب می‌کند و میل انسان نسبت به حقیقت، تحریک می‌شود. این تحریک، سبب ایجاد انگیزه درونی نسبت به آن خواهد بود. ضمن اینکه این تحریک عواطف، زمینه‌ساز تعهد و التزام عملی فرد نسبت به حقیقت است (مصباح یزدی، ص ۲۳ و شریفی، ص ۲۲).

یکی از راهکارهای اصلی نهادینه‌سازی امانت داری در جامعه، اعطای بینش و آگاهی درست از ارزش‌های اخلاقی است. اگر پیامدهای امانت داری برای مردم در قالب‌های گوناگون بیان شود و بینش و آگاهی درست در این زمینه به آنان داده شود، طبیعی است که بسیاری از افراد به لوازم علم خویش عمل نمایند و در نتیجه، پایبند به امانت داری خواهند بود.

۳. فراهم کردن زمینه تفکر، تدبّر و تعقل برای جامعه

اگر بینش‌ها از طریق تفکر و اندیشه فرد حاصل شوند، آنها را جوشیده از درون خود و متعلق به خویش احساس خواهد کرد. در نتیجه، میزان التزام و پایبندی به آن به مراتب، بیشتر خواهد بود. به همین دلیل، قرآن و روایات پیشوایان دینی بر تفکر، تعقل و تدبّر تأکید فراوان نموده‌اند. خداوند می‌فرماید: «و اوست کسی که زمین را گسترانید و در

آن کوه‌ها و رودها نهاد و از هرگونه میوه‌ای در آن جفت جفت قرار داد روز را به شب می‌پوشاند قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد.» (رعد، ۳)؛ «راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه [قدرت الهی] است.» (نحل، ۶۹).

ایجاد زمینه تفکر ممکن است از طریق تشویق به تفکر، ارائه موضوعات تفکر برانگیز و یا طرح سؤال صورت گیرد.

۴. زمان‌شناسی

یکی دیگر از راه‌های نهادینه‌سازی امانت داری در جامعه، توجه به تغییرات و مقتضیات زمانی در انتقال این مفاهیم است. وقتی فرهنگ و ادبیات یک ملت در گردونه جامعه دستخوش تحول و دگرگونی می‌شود، لازم است متولیان فرهنگی رسالت دینی خویش را بر اساس مقتضیات زمان در عرضه‌ها گوناگون جامعه متناسب با سطح فهم و شعور و خواست جامعه به انجام رسانند. در همین زمینه، استاد شهید مطهری می‌گوید:

«در هدایت و رهبری نسل قدیم، که سطح فکرش پایین تر بود، ما احتیاج داشتیم به یک طرز خاص بیان و تبلیغ و یک جور کتاب‌ها، که امروز آن طرز بیان و آن طرز کتاب‌ها به درد نمی‌خورد. باید و لازم است رفورم و اصلاح عمیقی در این قسمت‌ها به عمل آید، باید با منطق روز و زبان روز و افکار روز آشنا شد و از همان راه به هدایت و رهبری مردم پرداخت.» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۸۵)

در آموزه‌های دینی و اخلاقی، زمان‌شناسی مورد تأکید فراوان رهبران دینی ما است. امام علی (ع) می‌فرماید: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ؛ فرزندان‌تان را به ادب خود (آنگونه که خود تربیت شده اید) مجبور نسازید که آنان پدیده‌های زمان دیگری هستند.» (شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، قصار ۱۰۲)

۵. تأکید بر اکتشاف در فضائل اخلاقی

برخی تصور می‌کنند که فرایند درونی‌سازی اخلاق و فضائل اخلاقی باید از طریق تداوم آموزش‌ها، یاددهی‌ها و انتقال اطلاعات بیرونی صورت گیرد. در حالی که، فرایند انتقال ارزش‌های اخلاقی و تربیتی، امری اکتسابی نیست، بلکه اکتشافی است؛ یعنی راه

را باید به مرتبی نشان داد، فطرت او را بیدار کرد تا خود مسیر درست را انتخاب کند. بنابراین متولیان فرهنگ جامعه باید در فرایند انتقال ارزش‌ها و درونی و نهادینه‌سازی فضائل اخلاقی، نه از طریق جبر، قدرت، یادگیری، یاددهی و انتقال اطلاعات، بلکه باید با بسترسازی و فراهم‌سازی شرایط، زمینه را برای کشف ارزش‌های اخلاقی از طریق اقناع و پذیرش توسط متریان فراهم سازند به گونه‌ای که در آن بستر، خود متریان انتخاب کنند و سعادت خویش را در درون خود کشف کنند، نه آنکه سعادت از بیرون برای آنان القاء، ارائه، ابداع و اختراع و یا تحمیل شده و در اختیار آنان گذاشته شود. این شیوه اکتشافی در انتقال فضائل و ارزش‌های اخلاقی، بادوام‌تر و اصیل‌تر از شیوه‌ای است که از طریق اکتسابی، تحمیلی و القایی به دست می‌آید.

فضیلت امانت داری باید در جامعه نهادینه و درونی شود، به گونه‌ای که مردم بدون نظارت و کنترل بیرونی و حتی به دور از تشویق‌ها و تنبیه‌ها، به صورت خودجوش و با باور درونی، در خود و در اجرای برنامه‌های گوناگون پایبندی خود را به ارزش‌ها و فضائل اخلاقی نمایان سازند.

۶. مسئله‌مداری و ایجاد روحیه پرسش‌گری

برای نهادینه‌سازی فضیلت امانت داری، باید این امکان و بستر را فراهم ساخت تا افراد خود شخصاً در شکوفایی استعداد خویش سهیم باشند و باید فرصتی را برای افراد جامعه فراهم ساخت تا افراد خود به کشف و درک استدلال‌های منطقی مجهز شوند. پدران و مادران و یا معلمان از ناپایداری فضائل اخلاقی و تمرّد دانش‌آموزان و فرزندان خود شکایت می‌کنند، مشکل این جاست که کار اغلب آنان نصیحت کردن و تحمیل کردن نظرات خودشان است. روش نصیحت مستقیم و لفظی، صرفاً جنبه برونی و ظاهری دارد که هر لحظه باید منتظر فروپاشیدن آن بود. یکی از راه‌های مؤثر و پایدار در یادگیری، استفاده از سبک طرح معما و سؤال و ایجاد بحران و مخصصه و ایجاد شور کشف و شوق دستیابی به حقیقت است. قرآن کریم در واقعه داستان حضرت ابراهیم (ع) به این موضوع اشاره می‌کند و از طریق مواجهه کردن مخاطب با معما و سؤال، مردم را به پوچی باورها و عقایدشان رهنمون می‌سازد. آنجا که می‌فرماید: «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ»؛ آنها به فکر فرو رفتند و به حقیقت خود

بازگشتند. (انبیاء، ۶۴).

خاصیت طرح سؤال و معما این است که مخاطب به فکر کردن تشویق می‌شود تا خود در بازشناسی، کشف واقعیت، تفهیم، اقناع، پذیرش منطقی خویش سهیم باشد. البته نباید منکر نقش موعظه و نصیحت و تذکر مستقیم بود. در حالی که با شیوه اکتشافی و طرح سؤال و معما، فرد با یک عامل درونی مواجه است که با آشنایی با علت رفتار خود، به اعمال درست پی می‌برد. استفاده از شیوه پرسش و طرح سؤال، وسیله‌ای مؤثر برای درگیر کردن ذهن مخاطب در فرایند کشف و ابداع پدیده‌ها است. از طریق پرسش‌های سازنده، مهارت‌های خودآموزی و خودفهمی مخاطب پرورش می‌یابد.

۷. معرفی جامعه آرمانی به مردم

از جمله مؤلفه‌های مهم در فرایند نهادینه‌سازی امانت داری در جامعه، مرتبط بودن نیاز درونی، با آرمان جامعه است. در باورهای شیعی جامعه آرمانی، جامعه مه‌دوی است که فضایل اخلاق در آن به کمال می‌رسد. برای پیدایش و تقویت رفتارهای مطلوب، ارزشی و اخلاقی، روش‌های تحمیلی و اجباری نمی‌تواند به گونه بایسته و شایسته مؤثر واقع شود. قالب‌ها و الگوهای ساختگی و فرمان دادن و تحمیل کردن و واداشتن و بازداشتن، زور و اجبار، امر و نهی بدون در نظر گرفتن میل، اراده، آگاهی و ظرفیت و نیز منزلت افراد و در نهایت، دخالت‌های مستقیم، مانع کشف حقیقت و خودیابی‌های درونی می‌شود. در همین زمینه، علامه جعفری می‌گوید: «وظیفه اساسی تعلیم و تربیت این است که از راه آگاهی صحیح از وضع روانی انسان‌های مورد تعلیم و تربیت، هر حقیقتی شایسته، که برای فراگیری یا گرویدن القا می‌شود، انسان متعلم و مورد تربیت باید آن را یکی از پدیده‌های فطرت خود احساس کند، نه اینکه چیزی از بیرون به او تحمیل کنیم.» (کریمی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷)

البته هدایت، نقش مهمی در انتقال مفاهیم اخلاقی دارد. ولی هدایت غیر از دخالت است. این همان چیزی است که خداوند به پیامبرش چنین گوشزد می‌کند: «فَلَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ»؛ تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای، تو مسلط بر آنها نیستی که مجبورشان کنی. (غاشیه، ۲۱-۲۲) بنابراین، در فرایند نهادینه سازی ارزش‌ها و

امانت داری، اگر تمایل درونی و قلبی به وجود نیاید و اگر فرد آمادگی لازم را پیدا نکند، رفتارها پایدار نخواهد بود. این موضوع در کلام امیرالمؤمنین \square به شکل‌های گوناگون بیان شده است و نشان دهنده آن است که قلب به عنوان کانون میل، رغبت و گرایش نقش مهمی در پذیرش و باور پیام‌های تربیتی دارد. آن حضرت می‌فرماید: «إِنَّ لِقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالَاً وَإِدْبَاراً فَأَتُوها مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِها وَإِقْبَالِها فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِي؛ دل‌ها را روی آوردنی و پشت کردنی است، پس دل‌ها را آنگاه به کار وادارید که خواهشی دارند و روی آوردنی؛ زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کور می‌شود.» (نهج البلاغه، قصار ۱۸۴)

۸. تکرار و تنوع شیوه‌ها

یکی از شرایط تاثیرگذاری بر فرهنگ جامعه، ارسال مکرر پیام، با لحاظ سایر شرایط است. شواهد عملی در الگوهای یادگیری در تغییر نگرش نشان می‌دهد که برای تاثیرگذاری بیشتر یک پیام، تکرار آن، میزان اثربخشی آن را بسیار بالا می‌برد. به خاطر همین است که در آگهی‌های تبلیغاتی نیز از این روش و اصول یادگیری و تغییر نگرش در مخاطبان به خوبی و فراوانی استفاده می‌شود.

القای پیام امانت داری، وقتی از غنای لازم برخوردار و دارای محتوای قوی باشد و به وسیله استدلال‌های عقلی و منطقی نیز حمایت شود، بهتر مورد پذیرش قرار گرفته، نهادینه خواهد شد.

۹. تبشیر و انذار

یکی از روش‌های تربیتی انذار و تبشیر است. این روش همواره توسط پیامبران الهی اعمال می‌شده است. چنان که از آنها در قرآن به عنوان مبشّر و منذر یاد شده است. حضرت علی (ع) یکی از روش‌های پیامبر گرامی اسلام برای تربیت مردم را انذار و تبشیر می‌داند: «همانا خداوند محمد (ص) را نشانه‌ای قرار داد برای قیامت و مژده دهنده به بهشت و ترساننده از عقوبت.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳) همچنین می‌فرمایند: «محمد (ص) امین وحی اوست و خاتم فرستادگانش، مژده دهنده به رحمت او و ترساننده از کیفر او.» (همان، خطبه ۱۷۳، ش ۱)

انذار و تبشیر (خوف و رجاء) نقش مهمی در فراهم کردن زمینه تربیت اخلاقی و دینی افراد جامعه دارد. امام علی (ع): می‌فرمایند: «از خدا در آن چه اعلام خطر کرده است بر حذر باشید! از خدا آن گونه بترسید که نیازی به عذرخواهی نداشته باشید.» (همان، خطبه ۱۷۳) باز می‌فرمایند: «برای رسیدن به بهشت جاویدان رفتاری متناسب با آن انجام دهید.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲) یعنی اگر آن گونه که خداوند امر فرموده رفتار کنید، به بهشت خواهید رسید و نعمت‌های بهشتی در انتظار شماست.

قرآن کریم درباره پیامبر اکرم (ص) فرمود: «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً* و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً؛ ای پیامبر! ما تو را فرستادیم مبشر و نوید دهنده، و منذر و اعلام خطر کننده، و دعوت کننده به سوی خدا به اذن او، و چراغی نورانی (احزاب، ۴۵ و ۴۶).. باید تلاش شود همواره علاوه بر تشویق و تبشیر، از روش انذار نیز بهره گرفت تا فرهنگ امانت داری بهتر در نفوس افراد جای گرفته، درونی شوند.

۱۰. تلقین و القا

اصل پذیرش یک رفتار و یا عمل و یا اندیشه، مبتنی بر تغییر نگرش فرد است. طبق این اصل، هرگاه بخواهیم تغییر و تحولی در باطن کسی پدید آوریم، باید امکان تغییر نگرش او را فراهم آوریم. به عبارت دیگر، اگر در نگرش فرد و مخاطب تحولاتی پدید آید، احساسات، افکار و تصمیم‌گیری‌های مطلوبی در درون او ایجاد خواهد شد. از روش‌هایی که ناظر به این اصل است، روش تلقین به نفس است. تلقین به صورت قولی، که از طریق به زبان آوردن قولی معین و فعلی که با آشکار ساختن عملی، تأثیر در درون فرد به وجود می‌آورد. (باقری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳) هرگاه دو گونه تلقین قولی و فعلی با هم آمیزند، تأثیری دوچندان به بار می‌آورند. با تلقین، هیجان‌ات و نگرش‌ها جذب می‌شوند. تلقین در اخلاق، می‌تواند جذب عادات خوب شخصی و رسوم جامعه را تسهیل کند و غالباً ابزار نیرومندی در تقویت وجدان است. برجسته سازی امانت داری از طریق القا و تلقین، نمونه بارز این به هم آمیختگی است.

۱۱. تشویق و تقدیر از امانت داران

برای ایجاد روحیه امانت داری باید از تمام امکانات استفاده کرد و در این راستا تشویق امانت داران گمنام و جزئی بسیار مهم است. همان گونه که از مدال آوران بازی های المپیک و یا مسابقات علمی تقدیر و تشویق به عمل می آید، باید از امانت داران تقدیر به عمل آید تا این فضلت هر چه بیشتر نهادینه شود. برای مثال در شماره ۵۷۴۸ روزنامه همشهری به تاریخ دوشنبه نهم مرداد ماه سال ۱۳۹۱ خبری به این صورت آمده است:

«یک راننده زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی کیفی به ارزش بیش از ۳۰۰ میلیون تومان را که در اتوبوس خود پیدا کرده بود، به صاحبش بازگردانید.»

وی حمید گودرزی نام دارد و در توضیح این ماجرا گفت: روز جمعه پس از اتمام کار و حین خروج از خط متوجه شدم یکی از مسافران کیفی را در اتوبوس جا گذاشته است که پس از جستجو برای پیدا کردن شماره تماس با مقدار زیادی پول، طلا، سندمالکیت، سهام و... مواجه شدم.

این راننده اتوبوس در جواب این سؤال که آیا وسوسه نشدید این پول ها را برای خود نگه دارید؟ گفت: آن کیف از نظر من امانت مردم بود و اگر ارزش کیف حتی ده برابر بیشتر بود، باز هم آن را به صاحبش پس می دادم!!

وی متأهل، صاحب دو فرزند و مستأجر است. بر اساس این گزارش این راننده ۳۰ ساله که یک سال و نیم است تحت پوشش بخش خصوصی شرکت واحد اتوبوسرانی مشغول به کار است، پس از بازگرداندن کیف به صاحب اصلی اش ۵۰۰ هزار تومان مژدگانی دریافت کرد. "روشن گاه علوم انسانی از مطالعات فرهنگی" این نمونه ای از امانت داران واقعی هستند که جا دارد رسانه ها و به خصوص صدا و سیما امانت داری و جوانمردی آن ها را به تصویر بکشند تا الگویی برای دیگران بشود.

۱۲. مجازات و تنبیه خیانت کاران

در کنار تشویق امانت داران باید به مجازات خیانت کاران اقدام کرد؛ چنان که خداوند دستور داده است. در این راستا همه قوا و به خصوص قوه قضاییه با تمام قدرت اقدام و دست خیانت کاران و به خصوص خائنان به بیت المال را قطع کند با عبرتی برای

دیگران باشد. برای مثال در اخبار روزنامه کیهان شماره ۲۰۲۷۰ به تاریخ سه شنبه دهم مرداد ماه سال ۱۳۹۱ آمده است: "چهار نفر از اختلاس کنندگان بانک های کشور و خائنان به بیت المال به اعدام محکوم شدند." چنین اقداماتی باعث خوشحالی امانت داران و عبرت خائنان شده و روحیه امانت داری را در جامعه تقویت می کند.

۱۳. ترغیب به امانت داری در متون درسی

متون درسی به خصوص در مقطع ابتدائی تأثیرات ماندگاری را در ذهن دانش آموزان باقی می گذارد. برای مثال داستان ریزعلی فداکار در ذهن تمام بچه ها حک شده است و از این رو می توان با متن درسی قرار دادن داستان های امانت داری، فرهنگ آن را تقویت کرد.

۱۴. طرح و برنامه ریزی در صدا و سیما

از آن جا که صدا و سیما در رفتار و فرهنگ مردم بسیار تأثیر گذارند، می توان با ساخت مستند ها و فیلم ها و مصاحبه ها و میزگردها، روحیه امانت داری را در جامعه تقویت کرد و با ذکر مصادیق متنوع، مردم را با وظایف خویش آشنا نمود.

نتیجه گیری

امروزه اخلاق یکی از ضروری ترین علوم برای انسان است. علم اخلاق، در حقیقت علم زندگی و آیین زیستن، به معنای حقیقی کلمه است. علمی که ضمن بیان احکام ارزشی همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی آگاهانه و مختارانه ما، راه های اتصاف به فضائل و بهره مندی از خوبی ها و دفع و رفع رذائل و زشتی ها را نشان می دهد امانت داری به عنوان یکی از مهم ترین فضیلت های اخلاقی با چالش های مختلفی رو در رو است. این فضیلت جهان شمول و فراخ دامن شئون زندگی بشر را در بر می گیرد و اگر با چالش های فردی و اجتماعی درگیر شود، آنگاه خیانت و ناامنی و بی اعتمادی و آشفتگی و اضطراب و... نهادهای جامعه را در بر می گیرد و مانع رشد علمی و اقتصادی و مادی و معنوی می شود.

در این نوشتار به برخی از راه های تقویت امانت داری در دو بعد فردی و اجتماعی

با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از آیات و روایات اشاره شده است. با اجرایی کردن این راه کارها تا حد زیادی امانت داری در جامعه نهادینه شده و جلوی بسیاری از چالش ها و آسیب هایی که در عدم رعایت امانت داری به وجود می آید؛ گرفته می شود.



منابع

- قرآن؛ ترجمه تفسیر نمونه.
- نهج البلاغه**؛ ترجمه فیض الاسلام.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبئه الله، **شرح نهج البلاغه**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، داراحیاء الکتب العربیه، ج ۱۱، ۱۹۶۱.
- ابن شعبه، حسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول**، تهران، اسوه، ۱۴۱۶ ق.
- ابن مسکویه، احمد ابن محمد، **تهذیب الاخلاق**، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱
- ابن منظور، **لسان العرب**، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵.
- جوادی آملی، عبدالله، **مراحل اخلاق در قرآن**، قم، اسراء، ۱۳۷۷.
- الحر العاملی، محمد ابن حسن، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، بیروت، موسسه آل البیت لاحیا التراث، ۱۴۱۲ق.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، **سیری در تربیت اسلامی**، چ چهاردهم، تهران، دریا، ۱۳۸۲.
- الراغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، **المفردات فی غریب الفاظ القرآن**، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۳ ق،
- ژان ژاک روسو، امیل، یا، **آموزش و پرورش**، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، تهران، ۱۳۷۵.
- ستوده، هدایت الله، **آسیب شناسی اجتماعی**، چ شانزدهم، تهران، آوای نور، ۱۳۸۵.
- سلیمی، علی و محمد داوری، **جامعه شناسی کجروی**، چ چهارم قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
- شمس الدین، سیدمهدی، **اخلاق اسلامی در برخورد های اجتماعی**، قم، شفیق، چ دوم، ۱۳۷۴.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین، **من لا یحضره الفقیه**، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۳ ق، ج ۴.
- طباطبائی، سیدمحمد حسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه محمد باقر همدانی، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۶۳
- فرامرزی قراملکی، احد، **موانع رشد اخلاق حرفه ای در سازمان**، تهران، موسسه فرهنگی_ دین پژوهی بشری، ۱۳۸۶.

- _____، *اخلاق حرفه‌ای*، تهران، احد فرامرز قراملکی ۱۳۸۲.
- _____، *اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *اصول کافی*، تصحیح باقر بهبودی و علی‌اکبر غفاری، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش، ۱۱۰ جلدی.
- محمدی ری شهری، محمد، *اصلاح الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث*، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸ ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، نگارش محمدحسین اسکندری، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، پائیز ۱۳۷۷.
- مصباح، مجتبی، *ارزش اخلاقی از دیدگاه استاد مصباح*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *خودشناسی برای خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.
- مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا، ۱۳۷۵.
- مطهری، مرتضی، *سیری در سیره نبوی*، تهران، صدرا، چ ششم، ۱۳۶۸.
- _____، *سیری در نهج البلاغه*، قم، صدرا، ۱۳۶۸.
- _____، *فطرت*، تهران، صدرا، ۱۳۸۹.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
- نجفی، موسی، *حکم نافذ آقا نجفی، عرفان مرجعیت و سیاست*، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۱.
- نراقی، محمد مهدی، *جامع السعادات*، تصحیح و تعلیق محمد کلانتر، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۳.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.